

به نام خدا

# اهمیت توجه به جایگاه و منزلت معلمان

مولفان :

فاطمه گلشائی

لیلا گلشائی

سجاد گلشائی

انتشارات ارسطو

(سازمان چاپ و نشر ایران - ۱۴۰۳)

نسخه الکترونیکی این اثر در سایت سازمان چاپ و نشر ایران و اپلیکیشن کتاب رسان موجود می باشد

chaponashr.ir

سرشناسه: گلشائی، فاطمه، ۱۳۶۷  
عنوان و نام پدیدآور: اهمیت توجه به جایگاه و منزلت معلمان/ مولفان فاطمه گلشائی، لیلا گلشائی، سجاد گلشائی.

مشخصات نشر: انتشارات ارسطو (سازمان چاپ و نشر ایران)، ۱۴۰۳.

مشخصات ظاهری: ۹۶ ص.

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۴۰۸-۵۶۱-۰

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

موضوع: معلمان - جایگاه - منزلت

شناسه افزوده: گلشائی، لیلا، ۱۳۵۷

شناسه افزوده: گلشائی، سجاد، ۱۳۶۷

رده بندی کنگره: PN۲۱۶۵

رده بندی دیویی: ۸۰۹/۲۲۵

شماره کتابشناسی ملی: ۹۴۹۳۸۷۵

اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیبا

نام کتاب: اهمیت توجه به جایگاه و منزلت معلمان  
مولفان: فاطمه گلشائی - لیلا گلشائی - سجاد گلشائی

ناشر: انتشارات ارسطو (سازمان چاپ و نشر ایران)

صفحه آرایی، تنظیم و طرح جلد: پروانه مهاجر

تیراژ: ۱۰۰۰ جلد

نوبت چاپ: اول - ۱۴۰۳

چاپ: زیرجد

قیمت: ۹۶۰۰۰ تومان

فروش نسخه الکترونیکی - کتاب رسان:

<https://chaponashr.ir/ketabresan>

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۴۰۸-۵۶۱-۰

تلفن مرکز پخش: ۰۹۱۲۰۲۳۹۲۵۵

[www.chaponashr.ir](http://www.chaponashr.ir)



انتشارات ارسطو



چاپ و نشر ایران  
Chaponashr.ir

## فهرست

پیشگفتار.....	۷
فصل اول: اهمیت جایگاه معلمان .....	۱۱
نقش آموزش و پرورش در جامعه.....	۱۱
عوامل مؤثر بر جایگاه اجتماعی معلمان.....	۱۸
تأثیرات جایگاه اجتماعی معلمان بر جامعه.....	۱۹
فصل دوم: پایگاه اجتماعی .....	۲۱
اهمیت پایگاه اجتماعی معلمان .....	۲۱
منابع دارایی:.....	۲۵
قدرت: .....	۲۶
منابع قدرت: .....	۲۶
حیثیت:.....	۲۶
منابع حیثیت:.....	۲۶
نقش اجتماعی: .....	۲۷
ویژگی های نقش اجتماعی (به نقل از بهمنی، ۱۳۸۰).....	۲۸
ویژگیهای پایگاه اجتماعی : .....	۲۹
پایگاه اجتماعی معلم و عوامل مؤثر بر آن .....	۳۵
حرف های دل معلم(به نقل از علی فرخ مهر، ۱۳۷۹).....	۳۵
نقش وضعیت مالی معیشتی معلمان در پایگاه اجتماعی آنان .....	۳۸
نظام پاداش دهی به معلمان و پایگاه اجتماعی آنان .....	۴۴

## فصل سوم: نقش گزینش و استخدام معلمان در پایگاه اجتماعی آنان ..... ۴۹

انواع شایستگی : ..... ۵۱

نقش نظام تربیت معلم در پایگاه اجتماعی معلمان : ..... ۵۶

به سوی الگویی تازه از تربیت معلم ..... ۵۷

پیشینه و گرایش های جاری ..... ۵۷

منابع یادگیری معلم ..... ۵۹

تدابیرها و وجوه مربوط به یادگیر معلمان ..... ۶۰

آموزش معلم به منزله یک تدبیر ..... ۶۰

چند عاملی که هنگام تعیین راهبرد TE باید در نظر گرفت بدین قرارند ..... ۶۱

نیازهای اساسی یادگیری معلمان ..... ۶۱

تدابیری برای کوشش در جهت تربیت معلم ..... ۶۳

کم کردن فاصله میان هدف های آموزشی و توانایی های معلم ..... ۶۳

معلمان در حکم فراگیرندگان ..... ۶۳

تربیت معلم به مثابه یک پیوستار ..... ۶۳

راه حل های فنی دارای اهمیت درجه اول نیستند ..... ۶۳

خود مختاری مدرسه مستلزم خودمختاری معلم است ..... ۶۴

روی کردی جامع به پیشرفت حرفه ای معلمان ..... ۶۴

بازاندیشی در مورد موضوع تربیت معلم ..... ۶۵

در الگوی جدید TE، باید موضوع هایی از این قبیل مدنظر قرار گیرند: ..... ۶۵

## فصل چهارم: پیشینه پایگاه اجتماعی معلمان ..... ۶۷

نمایش رابطه همبستگی بین پایگاه اجتماعی شخص و عوامل دیگر فردی و اجتماعی :  
۶۹ .....

فصل پنجم: بزرگداشت معلمان و سیاست های و بینش مسئولان در این خصوص  
۷۳ .....

۷۹ ..... بحث و نتیجه گیری

۸۲ ..... در بررسی پایگاه اجتماعی معلمان از دیدگاه اولیاء دانش آموزان

۸۴ ..... عوامل مؤثر در پایگاه اجتماعی معلمان

۹۳ ..... پیشنهادات

۹۵ ..... منابع



## پیشگفتار

برای اینکه معلمان به عنوان یکی از ارکان اصلی آموزش و پرورش، بتوانند نقش خویش را به خوبی ایفا کنند، باید از منزلت و پایگاه اجتماعی شایسته ای برخوردار باشند. چنانچه پیازه می گوید: زیباترین طرح اصلاح و بازسازی نظام آموزشی، در صورتیکه معلم به تعداد کافی و با کیفیت مطلوب در اختیار نباشد، با شکست روبرو خواهد شد. اگر باور عمومی بر این باشد که "بهترین ها، بهترین ها را می سازند" به پایگاه اجتماعی معلمان اهمیت فوق العاده ای خواهد یافت. معلمی که از پایگاه اجتماعی بالا برخوردار است، می تواند الگویی مناسب برای دانش آموزان باشد. بر اساس مطالعات انجام گرفته در کشورهای که از لحاظ آموزشی پیشرفته در معلمان از پایگاه اجتماعی بالایی برخوردارند و شمار داوطلبان این شغل بیشتر از مشاغل دیگر است، چنانچه در ژاپن اعتقاد دارند که "شایستگی نظام آموزشی به اندازه شایستگی معلمان آن است".

تحقیقات نشان می دهد که تقریباً تمام کشورهای اروپایی معلمان از پایگاه اجتماعی بالایی برخوردارند. در حالی که در ایران مانند بسیاری از کشورهای در حال توسعه معلمان نه تنها به شغل خود افتخار نمی کنند بلکه احساس سرشکستگی نیز می کنند همچنین، این نگرش در جامعه ایجاد شده که اغلب افرادی که به حرفه معلمی روی می آورند، در تصدی مشاغل دیگر توفیقی نیافته یا سرمایه ای برای فعالیتهای اقتصادی و تجاری نداشته اند. در چنین شرایطی استقبال نکردن فارغ التحصیلان و جوانان از شغل معلمی چندان باعث تعجب نیست، این وضعیت سبب روی گردانی افراد با هوش و مستعد از شغل معلمی، افت کیفیت آموزشی، ناکامی نظام آموزش و پرورش در نتیجه برون داد و محصول نامناسب می شود.

در نتیجه، این موضوع محور بحث مجامع بین الملل قرار گرفته است. چنانچه در اکثر کشورهای جهان معلمان از پایگاه اجتماعی مناسبی برخوردار نیستند و در گزارشی از یونسکو به نحو متقاعدکننده ای استدلال شده که آنچه در حال حاضر در اکثر کشورها از معلمان انتظار می رود، با پاداشها و حقوقی که دریافت می کنند تناسبی ندارد» بنابراین می توان گفت بزرگداشت معلمان و شناسایی عوامل مؤثر در آن جهت اعتلای پایگاه اجتماعی آنان به اندازه خود تعلیم و تربیت حائز اهمیت است.

در این راستا محقق تصمیم گرفت پایگاه اجتماعی معلمان از دیدگاه سه قشر که بیشتر با معلمان در ارتباطند یعنی دانش آموزان و اولیاء آنان همچنین خود معلمان مورد ارزیابی قرار دهد. و اینکه

هر کدام از این سه گروه چه عواملی را در پایگاه اجتماعی معلمان مهمتر می دانند. تا از این طریق عوامل مؤثر در پایگاه اجتماعی معلمان شناخته شود و شیوه ها و راهکارهایی مناسب جهت اعتدالی منزلت عنصر اصلی آموزش و پرورش (معلم) به کار گرفته شود و در نهایت به بهبود کیفی تعلیم و تربیت در کشور منجر گردد. معلمان همواره به عنوان ستون فقرات نظام آموزشی شناخته می شوند و نقش آن ها در شکل دهی آینده جامعه غیر قابل انکار است.

آن ها نه تنها به انتقال دانش و مهارت های علمی می پردازند، بلکه در پرورش شخصیت، تفکر انتقادی و مهارت های اجتماعی دانش آموزان نیز تأثیرگذار هستند. در واقع، معلمان به عنوان راهنمایان زندگی، دانش آموزان را در مسیر رشد و توسعه فردی یاری می دهند. این نقش چندبعدی معلمان باعث می شود که آن ها در جامعه از جایگاه ویژه ای برخوردار باشند. یکی از جنبه های مهم جایگاه معلمان، تأثیر آن ها بر ساختار اجتماعی است. معلمان با آموزش ارزش های انسانی، اخلاقی و اجتماعی به دانش آموزان، به ایجاد جامعه ای سالم و متعادل کمک می کنند. آن ها با ترویج مفاهیمی چون احترام، همدلی و همکاری، نسل های آینده را برای زندگی در یک جامعه متنوع و چند فرهنگی آماده می سازند. این فرآیند نه تنها به نفع خود دانش آموزان است بلکه به تقویت پیوندهای اجتماعی و کاهش تنش ها در جامعه نیز کمک می کند. معلمان همچنین نقش مهمی در کاهش نابرابری های اجتماعی دارند. با فراهم کردن فرصت های برابر برای همه دانش آموزان، آن ها می توانند به ارتقاء سطح تحصیلات و مهارت های افراد در جوامع کم برخوردار کمک کنند. آموزش باکیفیت می تواند به عنوان ابزاری مؤثر برای شکستن چرخه فقر عمل کند و به افراد این امکان را بدهد که به سمت آینده ای بهتر حرکت کنند.

بدین ترتیب، معلمان نه تنها بر زندگی فردی دانش آموزان تأثیر می گذارند بلکه بر روی ساختار اقتصادی و اجتماعی جامعه نیز تأثیرگذار هستند. با وجود اهمیت بالای معلمان، چالش هایی نیز وجود دارد که باید مورد توجه قرار گیرد. یکی از بزرگ ترین چالش ها کمبود منابع آموزشی است. بسیاری از مدارس به تجهیزات و مواد آموزشی کافی دسترسی ندارند که این موضوع می تواند کیفیت آموزش را تحت تأثیر قرار دهد. معلمان معمولاً با محدودیت های مالی مواجه هستند که مانع از اجرای برنامه های آموزشی خلاقانه و مؤثر می شود. این کمبود منابع می تواند باعث ناامیدی معلمان شود و بر روحیه آن ها تأثیر منفی بگذارد. علاوه بر این، فشارهای اجتماعی و اقتصادی نیز بر روی معلمان تأثیرگذار است. حقوق پایین و عدم حمایت اجتماعی از معلمان باعث می شود که بسیاری از آن ها احساس کنند ارزش کارشان نادیده گرفته شده است. این فشارها ممکن است منجر به کاهش انگیزه و کارایی معلمان شود که در نهایت بر کیفیت آموزش تأثیر منفی خواهد

گذاشت. همچنین، نیاز به آموزش مداوم برای معلمان احساس می‌شود؛ زیرا با پیشرفت سریع علم و فناوری، آن‌ها باید همواره در حال یادگیری باشند تا بتوانند با تغییرات جدید همگام شوند. در عین حال، فرصت‌هایی نیز برای معلمان وجود دارد که می‌تواند به بهبود وضعیت آموزشی کمک کند. یکی از این فرصت‌ها استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات است. ابزارهای دیجیتال می‌توانند فرآیند یادگیری را جذاب‌تر و مؤثرتر کنند. استفاده از نرم‌افزارها، وبسایت‌ها و منابع آنلاین به معلمان این امکان را می‌دهد که به منابع آموزشی گسترده‌تری دسترسی داشته باشند و روش‌های تدریس خود را متنوع‌تر کنند. همچنین، همکاری نزدیک‌تر با خانواده‌ها یکی دیگر از فرصت‌هایی است که باید مورد توجه قرار گیرد.

والدین می‌توانند با حمایت از برنامه‌های آموزشی و فعالیت‌های مدرسه نقش مهمی در موفقیت تحصیلی فرزندان خود ایفا کنند. ایجاد ارتباط مؤثر بین معلمان و والدین می‌تواند به افزایش انگیزه دانش‌آموزان کمک کند و محیط یادگیری را تقویت نماید. مشارکت معلمان در فرآیند تصمیم‌گیری‌های آموزشی نیز یکی دیگر از فرصت‌هایی است که باید مورد توجه قرار گیرد. زمانی که معلمان در تصمیم‌گیری‌های مربوط به برنامه‌ریزی آموزشی مشارکت داشته باشند، احساس مالکیت بیشتری نسبت به کار خود خواهند داشت و انگیزه بیشتری برای ارائه بهترین خدمات آموزشی خواهند داشت. تأثیرات مثبت معلمان بر جامعه بسیار گسترده است. آن‌ها با تربیت نسل‌های آینده، نقش بسزایی در شکل‌دهی آینده جامعه دارند. آموزش ارزش‌ها و مهارت‌های لازم باعث ایجاد شهروندانی مسئول و آگاه خواهد شد که قادر به حل مشکلات اجتماعی هستند. همچنین، ترویج فرهنگ صلح و دوستی توسط معلمان می‌تواند به کاهش تنش‌ها و افزایش همبستگی اجتماعی کمک کند. در نهایت، سرمایه‌گذاری بر روی معلمان یک سرمایه‌گذاری بر روی آینده است؛ زیرا آن‌ها کلید موفقیت نسل‌های آینده هستند.

حمایت از معلمان از طریق افزایش حقوق، فراهم کردن منابع آموزشی کافی و ایجاد محیط کار مناسب نه تنها به نفع خود آن‌ها بلکه به نفع کل جامعه خواهد بود. در نتیجه، جایگاه معلمان باید همواره مورد توجه قرار گیرد تا بتوانیم یک نظام آموزشی قوی و مؤثر داشته باشیم که بتواند نیازهای جامعه را برآورده سازد.

تلاش برای ارتقاء شرایط کاری معلمان، فراهم کردن منابع لازم برای آموزش بهتر و ایجاد ارتباط نزدیک‌تر بین مدارس و خانواده‌ها از جمله اقداماتی است که باید انجام شود تا بتوانیم آینده‌ای روشن‌تر برای نسل‌های آینده بسازیم. به طور کلی، جایگاه معلمان فراتر از یک شغل ساده است؛ آن‌ها سازندگان آینده‌اند. هر یک از ما باید قدردان زحمات آن‌ها باشیم و تلاش کنیم تا شرایط

لازم برای موفقیت بیشتر آنها فراهم شود. این امر نه تنها مسئولیت ماست بلکه سرمایه‌گذاری در آینده‌ای بهتر برای همه ماست.

## فصل اول:

### اهمیت جایگاه معلمان

#### نقش آموزش و پرورش در جامعه

در مجموعه دگرگونی های اجتماعی قرن اخیر توجه روزافزون به آموزش و پرورش قابل توجه است، توجهی که تقریباً فراگیر و جهانی است. در جامعه امروز همه ملتها با هر نظام سیاسی و اجتماعی پیشرفته و در حال پیشرفت به مسئله تربیت توجه دارند و آموزش و پرورش نسبت به دیگر فعالیتهای اجتماعی در مقیاس جهانی از اولویت خاصی بهره مند است. این توجه شدید بی دلیل نیست و بر منطقی قوی بنیاد گذاشته شده است.

چرا که تعلیم و تربیت انسان کاری پر ارج و در عین حال وقت گیر است و نتایج قطعی و نهایی آن تقریباً دیر آشکار می شود. ارجمندی آن از آن جهت است که آدمیت آدمیزاده به چگونگی تربیتش بستگی دارد (شکوهی، ۱۳۷۱). با آنکه تعلیم و تربیت آدمیزاده از بدو پیدایش او مورد توجه بوده است، اهمیت آن در قرون اخیر به طور فرآینده ای آشکار شده است. (تافلر<sup>۱</sup> ۱۹۸۰، به نقل از نویدی، ۱۳۷۴) می گوید: "با شروع انقلاب صنعتی و انتقال تولید اقتصادی از مزرعه به کارخانه، صاحبان اولیه معادن و کارخانه ها در کشورهای در حال صنعتی شدن، بویژه انگلستان، دریافتند که تربیت افراد بالغ اعم از روستائیان و افراد شاغل در صنایع دستی برای کار مفید در کارخانه تقریباً غیر ممکن است. آماده ساختن جوانان برای نظام صنعتی، بسیاری از مشکلات بعدی این نظام را حل می کرد.

بر خلاف نظام سنتی، تربیت نیروی انسانی کارآمد برای جامعه از عهده و توان خانواده ها خارج بوده از این رو، وظایف اصلی خانواده به نهاد های تخصصی دیگر واگذار شد. تعلیم و تربیت کودک را مدارس بعهدده گرفت و ساختار مرکزی دیگری برای جوامع صنعتی بوجود آمد که آموزش و پرورش همگانی بود از اواخر قرن نوزدهم به بعد، با هجوم موج دوم (انقلاب صنعتی)

---

۱- Alvin Toffler

از کشوری به کشور دیگر، پیش رفتی در آموزش و پرورش حاصل شد، کودکان از سنین پایین تر مدرسه را آغاز می کردند، سال تحصیلی به تدریج طولانی می شد و نیز بدون وقفه بر سالهای تحصیل اجباری افزوده می شد.

امروزه حضور در مدرسه، برای مدت ۱۲ سال و یا بیشتر یکی از ویژگیهای مهم زندگی دانش آموزان در اکثر کشورها است در طول این مدت، دانش آموز، سالانه ۹ ماه، حداقل ۴۰ ساعت از اوقات هفتگی خود را به حضور در مدرسه اختصاص می دهد. بنابراین دانش آموزی که دوره دبیرستان را به پایان رسانده، حدود ۲۰ هزار ساعت را صرف مدرسه کرده است (بلوم، ۱۹۸۲، به نقل از نویدی، ۱۳۷۴). در عصر حاضر آموزش و پرورش کلید توسعه جوامع محسوب می شود و موفقیت و پیشرفت هر جامعه منوط به کیفیت تعلیم و تربیت آن است. بنابراین، چنانچه نظام آموزشی، همگام با تحولات اجتماعی نباشد، جوابگوی نیازهای جامعه نخواهد بود. مردم عادی و صاحب نظران به یک اندازه پی بردند که ملتها و تمدنها از لحاظ کارایی و ماندگاری، ابتدا به قابلیت ذهنی که لازمه نوآوری و توسعه تکنولوژیکی است و سپس خرد آگاهانه که لازمه نظارت و کنترل تکنولوژی در چارچوب اجتماعی و سیاسی مطلوب است وابستگی دارند.

قابلیت های ذهنی لازم بطور تلویحی به معنای آموزش و پرورش است زیرا که دستیابی به مهارتها و تخصص های عالی و بینش اجتماعی ژرف و پیچیده، به طور عمده در قلمرو نظام های رسمی آموزش و یادگیری میسر است. استمرار و بقای هر جامعه ای مستلزم آن است که مجموعه باورها، ارزشها، رفتارها، گرایشها، دانستنیها و مهارتهای آن به نسلهای جدید منتقل شود. ساخت و کار یا وسیله این انتقال آموزش و پرورش است. (علاقه بند، ۱۳۷۰) آموزش و پرورش به معنی اعم مترادف با جامعه پذیری است یعنی فراگردی که افراد از طریق آن به یادگیری نقشها، قواعد، روابط و بطور کلی فرهنگ جامعه خود می پردازند. آموزش و پرورش به معنای احض فراگردی است که افراد بواسطه آن در وضعیتهای اجتماعی سازمان یافته در معرض آموزش منظم دانش ها، مهارتها، رفتارها و گرایشهای معین قرار گیرند.

در هر جامعه این وضعیت ها در قالب نظام آموزش و پرورش و سازمان های رسمی آن تشکیل می یابند. نظام آموزش و پرورش پدیده اجتماعی عاملی است که در تمام جوامع امروزی یافت می شود.

با وجود این که ساختار و طرز کار نظام های آموزشی از جامعه ای به جامعه دیگر متغیرند اما

ویژگی های مشترک دارند. پیدایی و توسعه در این نظام ها حاکی از اهمیت و ضرورت انتقال و حفظ میراث فرهنگی، القای نظام های فکری و ارزش های اجتماعی و توسعه و ترویج دانش ها در قبول هر جامعه ای است. فهم درست آموزش و پرورش رسمی آموزشگاهی موقعی امکان پذیر است که واقعیت امر آموزش و پرورش را در وسیع ترین معنای آن مسئولیت جامعه تلقی کنیم. در آن صورت روشن خواهد شد که هر آن چه در زندگی اجتماعی اتفاق می افتد آکنده از امکانات و تجربه های آموزشی و پرورشی است شرایط تاریخی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، علمی و تکنولوژیکی و فنی هر جامعه آموزشی و پرورشی را بنیان می نهد که دارای ویژگی و دشواریهای خاص خود اوست.

آموزش و پرورش از نظر اقتصادی جاذبه شدیدی دارد. در جامعه امروز تخصص و مهارت از طریق تربیت عمدی و تصمیم و تربیت نظام دار رسمی حاصل می شود و همین تخصص سطح زندگی خانواده و حتی جامعه را به کلی دگرگون می کند و به موضع بالاتر و بهتری ارتقا می دهد. وسیله ای چنین مؤثر و سودمند به حق مورد توجه باید قرار گیرد و از اعتبار و اهمیت بیشتری برخوردار شود (مصیری، ۱۳۷۶).

در گذشته نوع آموزش و پرورش هر فرد از طریق پایگاه اجتماعی والدین او معین می شد و آموزش و پرورش در تعیین شغل و پایگاه اجتماعی نقش قاطعی نداشت این وضع به مرور تغییر کرده است. بدین معنا که امروزه آموزش و پرورش در تعیین شغل و پایگاه اجتماعی فرد نقش مهمی ایفا می کند و از این رو از لحاظ تأثیر نحوه توزیع قدرت در جامعه از موقعیت مهمی برخوردار است در این معنا می توان از آموزش و پرورش به عنوان اهرمی برای تغییرات اجتماعی استفاده کرد. اقتدار و منزلت اجتماعی ناشی از آموزش و پرورش، اقتدار و منزلتی محقق و کوشاست نه محول و موروثی، بنابراین با روح اقتدار و منزلت محقق در جامعه قدرت آموزش و پرورش افزایش خواهد یافت «تصور کنید که در جامعه ای مردم به موجب عملکردشان به کسب مقام و منزلت قایل شوند و معیارهای عملکرد فقط مهارتها و صلاحیت هایی باشد که آنان در آموزشگاه و دانشگاه کسب کرده اند» (علاقه بند، ۱۳۷۵).

نهاد آموزش و پرورش در همه جوامع به موجب نیاز دائمی نسل های بشر به آموزش و پرورش پدیده آمده و با قبول و تصدیق ضرورت آن تثبیت شده است. ساختار نهاد آموزش و پرورش در قالب نظام آموزش و سازمانهای بی شمار آن واجد افراد تعلیم یافته و حرفه ای است از قبیل:

معلم، مربی، مدیر و .... دارای تسهیلات و تجهیزات و ابزارهای خاصی است نظیر: مواد وسایل آموزشی، برنامه، و روشهای آموزشی و علاوه بر آنها واجد آداب و مقررات و هنجارهای معینی است مثل: موازین اخلاقی، قوانین

و مقررات که در مجموع انگاره های رفتاری افرادی را که در این نهاد و سازمانهای آن کار می کنند مشخص می سازند. مثلاً معلمی که در خدمت نهاد آموزشی است نه فقط باید به دانش و مهارت های لازم برای ایفای وظایف آموزشی خود مجهز باشد بلکه در عین حال باید به موازین اخلاقی شغل و حرفه خود پایبند بوده و از قوانین و مقررات حاکم بر کار خود پیروی کند.

در نظام آموزشی عواملی همچون افراد تعلیم یافته، تسهیلات و تجهیزات، آداب و مقررات و هنجارهای خاص، فضای آموزشی، و ... وجود دارد که شاید بتوان گفت یکی از مهم ترین عوامل نظام آموزشی و پرورش معلم است و او می تواند نقص دیگر حوزه ها را تا حدود زیادی بر طرف و از فرصت های در دسترس بهترین استفاده در جهت کار آمدی خود داشته باشد. مدرسه نهادی است که شکل سازمانی خاص خود را دارد، اما در عین حال نوعی جامعه نیز هست. معلم در این جامعه در دنیای خاص خود که بین دنیای کودکان و بزرگسالان واقع شده به سر می برد. می گویند او «بزرگسالی است در میان کودکان و کودکی است در میان بزرگسالان» این سخن مانند اکثر شوخی ها و اظهار نظرها مبالغه آمیز است، اما در آن حقیقتی نهفته که یکی از مشکلات حرفه ی معلمی را آشکار می کند» (ایورموریس، ۷۳۷ ص ۲۳۶).

صاحب نظری اظهاری دارد که « معلم حد واسط دنیای واقع و دنیای آرمانی است» و بیشتر شاگردان معلمان خود را به ارائه تصاویری از شرایط بسیار غیر واقعی یا آرمانی و دور بودن از زندگی واقعی متهم می کنند و نقش تدریس چیزی است اکتسابی و این نقش باید ساخته شود. (به نقل از بهمنی ۱۳۸۰).

نقش معلم چیست؟ اصولاً نقش دو جنبه دارد زیرا که هر جنبه ارزشی دارد و از آن انتظار می رود و این دو جنبه یکی طرز کار دیگری برخوردار با دیگران است مسئله ای دیگر آن است که خود شخص از آن چطور برداشت می کند و دیگران راجع به آن چه عقیده و انتظاری داشته باشند. نقش معلم آن چیزی است که او انجام می دهد و این کار بر مبنای معلومات خود او و برنامه و سیاست مدارس مختلف قرار دارد. به همین علت وظیفه یا نقش معلم در مرکز پیش دبستانی مانند کار او در دبیرستان نیست.

رابطه‌ی نزدیکی بین تصور و خواسته‌ی شخصی از شغل، در اثر و قضاوت جامعه خواهد بود و به همین علت اهمیت بعضی مشاغل تغییر می‌کند و در انتخاب شغل آینده انسان اثر می‌گذارد.

این مسئله درباره‌ی (شغل) معلمی بسیار مهم است و هر طور معلم به خود بنگرد و خود را قضاوت کند جامعه هم به همان روال نسبت به او فکر خواهد کرد و چگونگی قضاوت جامعه درباره‌ی شغل معلمی، در انتخاب این شغل بین جوانان تأثیر خواهد گذاشت.

نظر جامعه نسبت به معلم چیست؟ اغلب اشخاص در ذهن خود برای هر شغلی یک تصویری دارند

و یک شغل را مجسم می‌کنند. «مطالعه‌ای کامل درباره‌ی این که اجتماع از معلم چه انتظاری دارد انجام گرفت و به این نتیجه رسید که از معلم انتظاری می‌رود که تمام حرکات و رفتارش بر مبنای ارزش‌های اجتماعی باشد و سر مشق خوبی از رفتار و اخلاق باشد و هیچ گناهی مرتکب نشود. معلم باید یک انسان بی‌طرف و قاضی درست باشد» (به نقل از بهمنی، ۱۳۸۰).

معلمین را اغلب غریبه‌ی اجتماعی می‌نامند و این به علت موقعیت کاری آن‌هاست. اولاً معلم بیشتر عمر خود را در بین بچه‌ها می‌گذراند و حتی با والدین هم به وسیله‌ی بچه‌ها و برای بچه‌ها در تماس است. زندگی او همیشه در اطراف مسایل، مشکلات امتحانات و مدرسه می‌چرخد و روی هم رفته از زندگی معمولی یک انسان در جامعه محروم است در عین حال معمولاً بچه‌ها او را از خود نمی‌دانند زیرا بر آنها حکومت می‌کند و باید به آن‌ها درس بدهد و آن‌ها را امتحان کند و دستور بدهد و تنبیه کند. ثانیاً معلم در دو جهت زندگی میکند و از جامعه‌ی اصلی خود جداست و اکثر در اجتماع زندگی می‌کند ولی جزء آن اجتماع نیست نه از لحاظ علمی و نه از لحاظ اجتماعی، چنان که گفته می‌شود نقش اصلی معلم برقراری پلی بین دنیای امروز و فرداست یعنی او در دو دنیای مختلف زندگی میکند در حالی که عضو هیچ کدام از این دو دنیا نیست (بهمنی، ۱۳۸۰).

یک مقوله‌ی اجتماعی که بطور کلی با حرفه‌ی معلمی ارتباط دارد پایگاه اجتماعی اوست. تعیین پایگاه اجتماعی در مورد حرفه‌های پزشکی و حقوق و امثال آن مشکل نیست اما پایگاه اجتماعی معلم چیست؟ معلم در ساخت اجتماعی جامعه در کدام پایگاه جا دارد؟ ماسگریو و تایلور در بحث خود با اظهار می‌دارند: «مشکلات پایگاه‌های موجودیت پیدا می‌کند که یک نفر در دو یا چند موقعیت ظاهر شود. برای مثال هرگاه استاد دانشگاه فاقد مدرک دانشگاهی